

نسخه ای از ترجمه تفسیر طبری در ماهان

چند ماه پیش آقای مهدی نعمه الله زاده ماهانی شرحی مبنی بر اظهار حسن ظن و سپاسگزاری از این جانب در شماره ۴۱ روزنامه «تندباد» کرمان مرقوم داشتند؛ من در همان موقع پاسخی بعنوان مدیر محترم آن روزنامه در اوضاع و اصلاح امور آستانه ماهان نوشتم که چون بسیار مفصل شد و از سی چهل صفحه در گذشت، آن را بهرستادم زیرا درج چنان مکتوبی از حوصله روزنامه هفتگی که مخصوص انتشار اخبار است بیرون بود، اینک قسمتی از آن نامه را که متضمن توضیحاتی درباره نسخه ای قدیم و مترجم از کلام الله مجید است، بی تجدید نظر و کاهش و افزایش در اینجا ثبت میکنم و او میدوادم در شماره های آینده در این باب باز هم بحث شود.



دیگر از اصلاحاتی که در آستانه ماهان باید بشود، نکه میل و تنظیم کتابخانه و موزه آن است، در وهله نخست لازم است نسخ گوناگون اشعار حضرت شاه نعمه الله ولی را از خطی و چاپی فراهم آورد و با توجه و تصحیح دقیق بچاپ رساند. که درم آنجا آماده وزارتین ماهان را یادگار و ارمغانی باشد.

گرانبهاترین چیزی که فعلا در موزه محقر ماهان است و باید در نگاهبانی آن توجهی بسزا مبذول شود، جزواتی چند از قرآن مجید با ترجمه فارسی است که بظن قوی نسخه ای بوده است از ترجمه تفسیر طبری، و با ترجمه ای همانند و همسنگ و همسال آن و این غیر از جزواتی است که بخطی زیبا و خوش در عصر ترکان خاتون و بدستور او نوشته شده که وقفنامه و تاریخ کتابت و ارزش و اهمیتی خاص دارد.

درباره ترجمه تفسیر طبری آنچه باید تکرار کرد اینست که دوره کامل و تمام آن، که در هفت مجلد است، عجالة در دنیا وجود ندارد و مجلداتی ازین نسخه که نام و نشانی از آنها بدست است اینست:

- ۱- جلد اول از یکدوره در کتابخانه پاریس که در حدود سال ۶۲۴ هجری کتابت شده.
- ۲- جلد دوم از دوره دیگر متعلق بموزه بریتانیا مورخ بسال ۸۸۳. ۳- جلد پنجم از دوره دیگر در کتابخانه آستانه رضوی (ع) ۴- شش جلد از هفت جلد (باستثنای جلد

چهارم) متعلق بکتابخانه سلطنتی ایران که در تاریخ ۸۶۰ هجری نوشته شده .

عکس برداری و فراهم آوردن و بازجستن این نسخ و تطبیق و سنجش آنها بایکدیگر ، بنظر بنده استوارترین خدمات اساسی است بزبان و ادبیات فارسی؛ و من بنده را در این موضوع تحقیقات و دریافت هائی است که در جای خود بازخواهم نمود . نکته ای که در اینجا بناهایت اجمال باید بدان اشارت کرد اینست که ترجمه و انشاء و حتی سبک تدوین این نسخه ها یکسان و هم آهنگ نیست چندانکه این تصور بذهن در می آید که ممکن است بعضی از آنها ترجمه و تفسیری علی حده باشد . و اما نسخه آستانه ماهان بقیده بنده ترجمه دیگریست از تفسیر طبری (ترجمه بی تفسیر ، مگر اینکه اوراق تفسیر آن از میان رفته باشد) ، و اگر هم ترجمه ای جداگانه و مستقل و غیر از ترجمه تفسیر طبری باشد هیچ از بها و ارجح آن کاسته نمیشود زیرا در حد خود نسخه ایست نفیس و بی مانند .

برای من در کرمان مجال و وسیلهتی که بدخواه ودقت ازین نسخه استنساخ یا عکس برداری کنم نبود ، و ازین روی تحقیقات من درین باب ناقص و نارساست ، با این همه بدین اومید که نتیجه همین مختصر بازجوئی و استقصا از میان نرود و محرك و مفتاحی برای اهل فن باشد یادداشت هائی را که در موقع زیارت و بازدید نسخه تنظیم کرده ام در اینجا نقل می کنم :

اولا این نسخه فقط دارای ترجمه فارسی است ، بی تفسیر ، برخلاف نسخه کتابخانه سلطنتی که پس از چند حزب یا جزه باختلاف چند ورق بفارسی روشن و درست مطلقا تفسیر است .

ثانیا از کاغذ و رسم خط برمی آید که این نسخه در قرن هفتم هجری نوشته شده اما تاریخ کتابت ندارد و هیچ نشان و علامتی هم از تقسیم کتاب بهفت مجلد نیست .

ثالثا اوراق اصلی قدیمی ۳۱۰ است ، دو ورق هم بعدا بخط دیگری غیر از خط کاتب اصلی کتابت شده که من احتیاطاً همه را نمره گذاری کرده ام و جمعا ۳۱۲ ورق یا ۶۲۴ صفحه است ، طول هر صفحه با حاشیه ۳۷ و بی حاشیه ۲۹ ، و عرض صفحه با حاشیه

۲۳ و بی‌حاشیه ۱۸ سانتی متر است. هر صفحه دارای هفت سطر بپلم درشت متن قرآن، و هفت سطر بپلم ریز ترجمه فارسی آن است (نسخه کتابخانه سلطنتی هر صفحه پنج سطر متن و پنج سطر ترجمه دارد)

رابعاً - متن و ترجمه هر دو بخط نسخ معمول آن عصر با مرکب سیاه نوشته شده، و گاهی اختلافات قرائت را در حاشیه با خط قرمز در همان زمان کتابت نوشته اند، و نیز در حاشیه، در اول و آخر هر جزء دایره تذهیبی است، که در آن شماره هر جزء با خط قرمز نوشته شده است.

خامساً - بطوریکه ناظم آستانه توضیح میدهد (والعهدة علیه) این مجلد مشتمل بر نصف قرآن بوده که فعلاً بسیاری از اوراق آن از میان رفته است بدین تفصیل:

از جزء اول شش هفتم، و از جزء دوم یک دوم، و جزء سوم تمام، و از جزء چهارم یک سوم.

از جزء ۵ تا ۱۲ افتادگی ندارد و تمام است.

از جزء ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ فقط سه ورق افتاده است (از هر جزء یک ورق)

اگر حافظه‌ام بخطا نرفته باشد، یکجا در حاشیه نسخه بخطی نارس عبارتی بدین مضمون است: «وقف کردم این قرآن را با آموزاده علمدار...» و «ن هر چه جستم محل یامزاری در ایالت کرمان بدین نام و نشان نیافتم؛ یکی میگفت آموزاده علمدار بقعه‌ای در منطقه شرقی ایالت فارس است، بدین امید که شاید اوراقی دیگر ازین نسخه شریف بدست آید، از آقای مزینی رئیس فرهنگ فارس درخواست کرده‌ام تحقیق فرمایند، اگر از ایشان یاد دیگران خبر و اطلاعی برسد، تکمیل معلومات را در این موضوع دیگر بار سخن خواهم راند.

یکی از فواید تصفح و تفحص کتب قدیمه، که بنظر بنده باید غرض اساسی و اصلی بشمار آید، اینست که الفاظ و کلمات و جملاتی را که پیشینیان با کمال درستی و دقت ساخته و پرداخته و بکتابت آورده‌اند، بیاموزیم و فرایاد آریم و بجاو بموقع در نامه‌ها و نوشته‌ها بکار بریم، و بمبارت دیگر از میراثی که نیاکان ما برای ما نهاده‌اند بهره‌برداری

کنیم، و گرنه جستجو کردن و یافتن و نشان دادن ذخایر ملی، و برشردن صفات و چگونگی آنها چندان سودی نمی بخشد، بلکه شاید در نظر اهل خرد مطعون باشیم زیرا بر آنکه ندارد سرزنشی نیست.

ترجمه تفسیر طبری، با اتفاق نخستین ترجمه و تفسیر کلام الله مجید بزبان فارسی امروز است، که در هزار سال پیش بدستور منصور بن نوح سامانی (۳۵۰ - ۳۷۶ هـ) و بوسیله عده ای بیش از بیست نفر از علما و فقها و دانشمندان ماوراءالنهر تألیف و تنظیم شده و مسلم است این مؤلفین و مترجمین، بتمام معنی کلمه هم باایمان، و هم بهر دوزبان عربی و فارسی عالم بوده اند و در اینکه کلمات و عبارات کلام الله مجید در نخستین بار، مطابق العمل بالفعل به فارسی فصیح و روشن و درست در آید نهایت کوشش و اهتمام را فرموده اند. ارزش واقعی این ترجمه بی بها در همین است و گرنه ترجمه ها و تفسیرهایی که در قرون بعد از کلام الله مجید شده بمراتب جامع تر و بتفصیل ترست، و این نکته است که اهل ادب کمال توجه را بدان دارند.

باری، چنانکه معروض افتاد بنده را مجال کافی در استنساخ و پژوهش نسخه ماهان نبود، تا بدان سان که باید و شاید آن را بشناسانم و چگونگی و مزایای آن را بنمایانم. باین همه چون، در بیع آدمم زان همه بوستان تهنی دست رفتن بر دوستان، اولاً ترجمه تحت لفظی بعضی از کلمات و عبارات را که بنظر خوش آیندتر و بدیع تر می نمود از هر جا و هر صفحه یادداشت کردم (نمونه اول) و ثانیاً نمونه دوم جزء اول را با همان رسم خط قدیم دقیقاًزنویس کردم (نمونه دوم) و اینک در پایان سخن نمونه ای از این هر دو قسمت را بمعرض مطالعه اهل فن میگذارم.

باجمال تمام این نکته را نیز معروض میدارد که من بنده در چهار سال پیش بیش از نصف ترجمه و تفسیر طبری را از روی نسخه کتابخانه سلطنتی استکتاب کرده ام و اکنون در قسمت دوم تکمیلًا للمفاده عبارات این هر دو نسخه را در برابر یکدیگر قرار میدهم که خود برای سنجش و مقایسه نمونه دیگری باشد.

نمونه اول - ترجمه بعضی از کلمات و عبارات

ایمان: کروش. همترین: کمان مندان. دایه: چمنده. انداد: همتایان. و لاتبعوا

خطوات الشيطان : و بدم (بضم دال) مروید بر بیهای دیو . فحشاء : ناخوبی . الرفث الی نساتکم : فراز رفتن سوی زنان شما . مساجد : مز کنها . ولاتباشروهن : و برهنه مپسایید . شان . بعضکم من بعض : بهری از شما از بهری . فالذین هاجروا : آنان کی بریدند از خان و مان و بش المهاد : بد کسترش . مثنی و ثلاث و رباع : دو کان و سه کان و چهار کان . یا ایها الذین آمنوا : یا شما کی مومنانید . اصحاب السبت : خداوندان شنبذرا . حکیم استوار کار . واحسن تأویلا : و نیکو سرانجام تر . فان تنازعتم : اگر نا هموار شوید . توفیق ساز کاری . یالیتنی : یا کاشکی . فافوز فوزا عظیما : تا نیک بخت کشتمی نیک بخت بزرگ . قریه : دیه . کید الشيطان : سازش بد دیو . اینما آتکو نو ایدر ککم الموت ولو کتتم فی بروج مشیده : هر کجا بیاشید اندر باید شمارا مرگ و کرجی باشید اندر کوشکها بلند بر آورده . والله یکتب : انج همی سکانید بشب . و توکل علی الله و کفی بالله و کیلا : و بخدای سبار کار خویش و بسنده است خدای کار ساز بندکان . اختلاف : ناهمواری . لاتبعتم الشيطان : بدم (بضم دال) رفتندی دیورا . فان اعتزلوا کم : اگر نرانه کنند از شما . نحن الغالبون : ما جبر بندکان (جیره شوندکان ؟) قالوا یا موسی اما ان تلقی و اما ان تكون نحن الملقین : گفتندی موسی یا بیو کن و اما کی باشیم ما و بیو کنیم . جنات عدن : بوستانهه در نیکی (در نیکی : جاودان) . قال انه من کید کن عظیم : گفت کی آن از سازش بد شماست کی سازش بد شما بزرگست . بدیع : نو کار . فاغسلوا : بشورید (در نسخه کتابخانه سلطنتی نیز « بشورید » بجای « بشوید » مکرر) یزرع : بیامخت . عوجا : خولی (؟) (باد و نقطه بالای (ی)) .

نمونه دوم - ترجمه تحت لفظی آیاتی چند از جزء اول

نسخه ماهان نسخه کتابخانه سلطنتی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده

بنام ایزد مهربان بخشاینده

واقموا الصلوة واتوا الزکوة و ما تقدموا لانتسکم من خیر تجدوه عند الله

ان الله بما تعملون بصیر .

و بیای دارید نماز و بدهید زکوة و آنج
بیش کنید تنها شماراست از نیکی بیایید
آنرا نزدیک خدای که خدای بدانج می کنید
بیناست .

و بیای دارید نماز را و بدهید زکوة و آنج
بیش فرستید مرتههه خویش را از نیکی
بیایید آنرا نزد خدای کسی خدای بدانج
همی کنید بیناست

وقالوا من يدخل الجنة الا من كان هودا او نصارى تلك امانتهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين .

و گفتند اندر نشوؤ بیهشت مکر آنکسی کی باشد جهودان یا ترسا آن این آرزو های ایشانست بگو بیارید حجتهای شما راست گویان .

بلى من اسلم وجهه لله فهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون . آری هر کی بسبار ذی روی خویش را ... و وی نیکو کردار باشد مزدوی نزد خدای وی برایشان و نه ایشان اندوه مکن شوند .

وقالت اليهود ليست النصرارى على شيئى وقالت النصرارى ليست اليهود على شيئى وهم يتلون الكتاب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون .

و گفتند جهودان نیستند ترسا آن بر چیزی و گفتند ترسا آن نیستند جهودان بر چیزی و ایشان همی خوانند نامه هم چنین گفتند آنان کی ندانند گفتار ایشان خدای اندر اینج همی اندروی اختلاف کردند .

ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين .

و کیست ستمکار تر از آنکی باز دارد مز کنهها خدای را یا ذکند اندر آن نام وی و بگوید اندر ویرانی وی ایشانند کی نباشد مرایشانرا کی اندر شوند آنجا مکر تر سیدگان

لهم في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم .

ایشانراست درین جهان عذابی و ایشانرا در آن جهان عذابی بزرگ .

بديع السموات والارض واذقضى امرا فانما يقول له كن فيكون .

نوکار آسمانها و زمین و چون بکنند دکاری همانگاه گویند مرور ایباش باشد .

افرید کار آسمان و زمین چون بکنند دکاری کی گویند آنرا بیباش باشد .